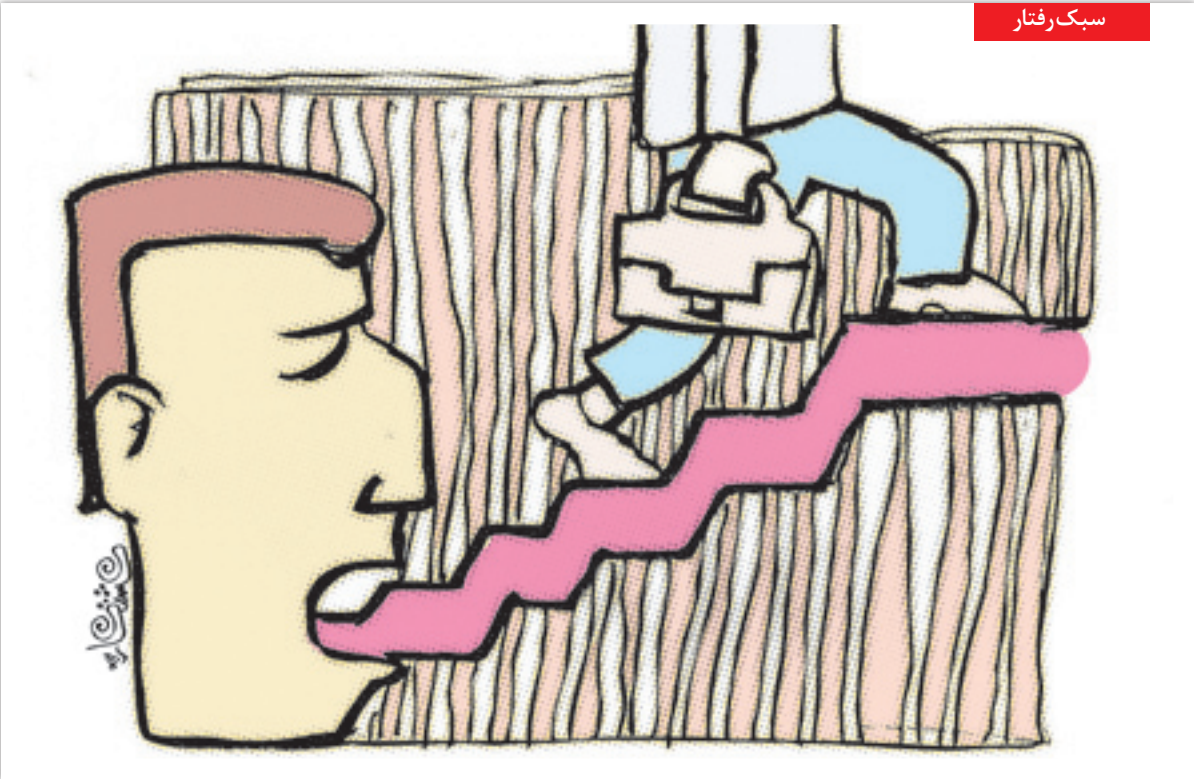


سبک رفتار



بررسی «چاپلوسی» از منظر اخلاقی، دینی و اجتماعی

این پاچه خاری ها زمین خوردن دارد

■ مصطفی هاشمی نسب

پرده‌اول: چیزی تا آمدن رئیس نمائنده که جمعی از زیر دستان و کارگران هر طور شده خود را در مسیر تردد او قرار داده‌اند تا به نحو ممکن مراتب ارادت و سرسپردگی صمیمانه و خالصانه(!) خود را به وی ابراز کنند. رئیس کارخانه او خودرو پیاده می‌شود و صدای چاکرم، نوکر م دوستاندارانش فضای کارخانه را پر می‌کنند...

پرده دوم: رئیس در صدر جلسه نشستسته و با اعتماد به نفسی عجیب

■ صحنه‌های بی‌شمار تملق در جامعه

بدون شک شما هم به عنوان یک عضو از جامعه بارها و بارها شاهد صحنه‌های چاپلوسی و تملق در اطراف خود بوده‌اید. صحنه‌هایی که اغلب یک طرف ماجرا عاشقی سینه چاک، نوکری در بست یا چاکری گوش به فرمان قرار دارد و سوی دیگر ماجرا فردی صاحب نفوذ، صاحب مکتب یا صاحب مقام است.

صحنه‌هایی از این دست که در ادبیات محاوره‌ای جامعه ما با عنوانی مانند چاپلوسی، تملق، بادنجان دور قاپ چین، خود شیرینی، خوش رقصی، چرب زبانی و... از آن یاد شده است، گاهی آنقدر عادی و معمولی شده که شاید چندان به چشم نیاید. پدیده‌ای که با وجود دیده‌نشدن، هم می‌تواند سنجهای برای سنجش وضعیت یک جامعه باشد و هم می‌تواند سرمنشأ بسیاری از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی گردد.

■ بزرگنمایی برای باور کردن

گویا اینجا نب به شنیدن و گفتن مفاهیم و کلمات مبالغه‌آمیز عادت کردیم که تا موضوعات، سخنان، خواسته‌ها، حوادث و... را تا داده برابر بزرگنمایی نکنیم کسی به اهمیت آن بی نمی‌برد. این کنش‌های مبالغه‌آمیز به نوعی است که انگار افراد جامعه برای توضیح کوچکی در مورد واقعیت‌ها و اتفاقات روزمره باید به کلمات غلو گونه متوسل شوند.

متأسفانه پدیده تملق و چاپلوسی تنها مختص فضاهایی که پای منفعت یا تسهیلاتی خاص در میان است نیست، بلکه اگر قدری دقیق تر نگاه کنیم، می‌بینیم پای این پدیده به سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی ما نیز باز شده است. برای ابراز محبت و علاقه‌راهی نیست مگر اینکه از جملاتی مانند قدایت شوم، قربانت بروم، دورت بگردم... استفاده کنیم. برای بروز نهایت خشم و احساسات دشمنانه نیز چاره‌ای نداریم مگر اینکه برای طرف مقابل آرزوی سیر قهقهه ستان، خبر مرگ، رفتن و برنگشتن و... نماییم.

همه اینها در حالی است که نه فردی که در مقام ابراز محبت و لطف است حاضر می‌شود جان عزیزش را فدای دیگری کند و نه آن کسی که در مقام ابراز نفرت و خشم است واقعا راضی به مرگ و نیستی دیگری است. به راستی حالا که خودمان هم بی‌و در بایستی به این بافتی‌واقعی‌که هیچ یک از این تعارف‌ها، تملق‌ها و... در صحنه عمل زندگی ما جایگاهی ندارد، پس چرا زیست اجتماعی ما اینقدر به این آسیب‌ها و اعمال ناپسند آلوده شده‌است؟

از نگاه جامعه‌شناسانه‌ی یکی از عوامل اصلی بروز چنین کنش‌هایی در سطح جوامع، تلاش کنشگران برای جلب احترام و دستیابی به پایگاه، منزلت و جایگاه‌های بهتر اجتماعی است، چه آنجایی که فرد تلاش می‌کند با چاپلوسی به بست و مقامی تلال آید و چه آنجایی که می‌کوشد با چرب زبانی و تملق منفعتی را برای خود کسب نماید. یکی دیگر از عوامل افزایش این پدیده، احساس ناامنی است که افراد نسبت به پاینده‌گونی خویش دارند. این احساس ناامنی باعث می‌شود که برای حفظ پایگاه و موقعیت فعلی اجتماعی خود به اصطلاح اجر نشدن نشان دست به هر کاری بزنند. در محیط یا جامعه‌ای که افراد در آن اینگونه ناامنی‌ها را احساس می‌کنند، خوشامد و رضایت فرادستان و صاحبان پایگاه‌های اجتماعی برتر و باج دادن به آنها جهت دستیابی به منافع و از امان ماندن از ضرر، به امری ضروری و غیر قابل انکار تبدیل خواهد شد.

بروز این رفتارها در یک محیط که می‌توان از آن به عنوان یک بومداری اجتماعی یاد کرد در حالی است که در یک جامعه سالم، متعارف، احترام و از نقای پایگاه و منزلت اجتماعی از طریق موافقت‌های بی‌چون و چرا با نظرات دیگران، تعریف و توصیف‌های افراطی، دولا و راست شدن، دست‌بوسی‌ها، پایگاه‌های اجتماعی برتر و باج دادن به آنها جهت دستیابی به منافع و از امان ماندن از ضرر، به امری ضروری و غیر قابل دست امکانپذیر نیست، بلکه مهربات‌های مختلف،

تحقیر نکردن دیگران به خاطر جایگاه‌های اجتماعی دون، لهجه، شغل، عدم دخالت در امور و زندگی خصوصی افراد، آزار نرساندن به دیگران، تخریب نکردن اطرافیان و... است. که موجب جلب احترام و کسب وجهه و جایگاه بهتر در سطح جامعه می‌شود.

■ آفات چاپلوسی در جامعه

در محیط‌ها و جوامعی که چاپلوسی به‌صورت رفتاری همه گیر جریان دارد، هر نوع تعبیر و رفتاری باید مورد پسند طبقه فرادست و ممتاز جامعه باشد. به همین خاطر صداقت و پابندی به اصولی که متضمن منافع واقعی افراد و جامعه است، جای خود را به تحسین مبالغه آمیز و در نهایت رفتارهای چاپلوسانه می‌دهد.

چاپلوسی یا سایر آفات اخلاقی در هر مجموعه‌ای نشانگر ناسالم بودن روابط، مناسبات و هنجارهای حاکم بر آن جامعه است. فضایی اینچنین زمانی در جامعه شکل می‌گیرد که منزلت‌ها و نقش‌ها بر اساس شایستگی‌های افراد توزیع نشود. بدون تردید افزایش و گسترش رفتارهای انحرافی و آسیب‌های اجتماعی از جمله فرهنگ چاپلوسی و چاپلوس پروری در هر جامعه، سازمان یا محیطی سبب آلودگی فرهنگی و اخلاقی آن محیط شده و به مرور زمان این فرهنگ بیمار موجب رواج بدبینی در جامعه، کاهش ارتباط افراد سالم و کاردان، خارج شدن این افراد از چرخه مسئولیت و مدیریت، کم رنگ شدن شایسته سالاری، روی کار آمدن اشخاص بی‌بلاقت، کاهش شدید انگیزه اجزای مختلف و در نتیجه کاهش کارآمدی و بهره‌وری در آن سازمان یا جامعه افت کند. این روند کاهش آرام آرام منجر به بروز نارضایتی و اقرار و طبقات مختلف جامعه شده و این امر در صورت حاد شدن، حتی می‌تواند باعث فروپاشی و از بین رفتن یک سازمان، اجتماع یا حکومت گردد. البته باید توجه داشت که همه مشکلات و گرفتاری‌های ناشی از چاپلوسی و تملق بر گردن چاپلوسان و متملقان نیست، بدیهی است که هیچ فرد چاپلوسی جرئت تملق گویی و دگر چربیی به خود نخواهد داد، مگر اینکه اطرافیان و فرادستان ضعیف‌النفس و چاپلوس پرور برای ارضا یا جبران حقارت‌ها و کاستی‌های خود از او حمایت کنند.

کسانی که بر اثر روابط و چرب زبانی به مقام و موقعیتی رسیده‌اند، از مدح و ستایش دیگران نیز لذت می‌برند و بساط خود را روز به روز گسترده‌تر و جامعه را روز به روز آلوده تر خواهند کرد.

■ نکوهش چاپلوسی در مبانی دینی و فرهنگی

چاپلوسی و تملق در سیره بزرگان و پیشوایان دینی و

مشغول سخنرانی و صدور دستورات است، معاونین و مدیران زیر دست او که دور تا دور میز را گرفته‌اند، بدون توجه به اشتباهات فاحش رئیس که بعضا در ادای صحیح کلمات نیز دچار مشکل است! با شیفستگی محض به‌او نگاه می‌کنند و سر تکان می‌دهند. بعضی‌ها هم که معلوم است تجربه فرا آنها و يد طولایی در جلب رضایت رؤسا دار ند متر صد کوچک ترین فر صتند تا از درایت و کار دانی رئیس تمجید کنند و آواز به به و چه چه سر دهند...

همچنین در سایر ملل و فرهنگ‌ها امری ناپسند و نکوهیده است. این نکوهش تا جایی است که توصیه کرده‌اند وقتی تعریف‌کننده‌ها (چاپلوسان) را دیدید، بر صورتشان خاک بپاشید. در مبانی دین مبین اسلام چاپلوسی و تملق آنقدر خطرناک ذکر شده که پیامبر اعظم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «اگر مر دم‌ی با چاقوی برنده و تیزی به سراغ شخصی بروند، برای او بهتر است از اینکه در پیش رویش مدح او را بگویند».

نگاه به منابع و مبانی دینی ایسن نتیجه را حاصل می‌کند که وجود صفت چاپلوسی و تملق موجب فراهم شدن زمینه‌های فساد فردی و به تبع آن فساد اجتماعی خواهد شد. در قرآن کریم نیز واژه «ملق» به عنوان ریشه «تملق»

به صورت «ملاق» برای بیان نداری و مشکل مالی عنوان شده است. اما اینکه چرا در مصحف شریف به انسان ندار نسبت املاق داده شده به این خاطر است که انسان ندار برای دستیابی به منافع خود به هر کاری از جمله چاپلوسی و تملق روی می‌آورد.

البته مفهوم «تملق و چاپلوسی» در قرآن کریم با واژه‌های دیگری نیز به کار رفته است. از جمله خداوند متعال از افراط می‌خواهد تا اینگونه رفتارها را ترک کنند. چنانکه در آیه نورانی ۱۸۸ از سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «البته گمان میر آن‌ها که از اعمال خود خوشحال می‌شوند و دوست دارند در برابر آنچه انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند از عذاب الهی بر کنارند، بلکه برای آنها عذاب در دناکی است.»

بر اساس احادیث و روایات حضرات معصومین (ع) نیز که نمونه‌ای از آن ذکر شده اهل تملق و چاپلوسی انسان‌های خودباخته‌ای هستند که فقط به یک ردیله اخلاقی دچار نیستند، بلکه به واسطه چاپلوسی به مجموعه‌ای از رذائل

“

یکی از بهترین و مناسب ترین روش‌ها برای بر طرف کردن رفتار های چاپلوسانه و تملق آمیز، اعتنا نکردن و عدم پاسخ مثبت به رفتار چاپلوسان است. با استفاده از این روش فرد متملق و چاپلوس متوجه می‌شود که این رفتار او نه تنها در اطرافیان و سوزوه‌های هدفش تأثیری ندارد بلکه باعث تحقیر خود او می‌شود، بنابراین در کنار اصلاح رفتار، او شمامت باید پاسخی مثبت به رفتارهای مناسب خواهد شد. البته توجه داشته باشید که در کنار اصلاح رفتار، او شمامت باید پاسخی مثبت به رفتارهای اصلاح دهنده و مناسب بدید.

به یاد داشته باشیم نکته مهم و حائز اهمیت در مبارزه با چاپلوسی، «احساس مسئولیت اجتماعی» است. پس اگر برای آینده خود، فرزندان و جامعه‌مان اهمیت قائلیم، باید با احساس مسئولیت تمام تلاش خود را جهت زودن بیماری‌ها و انحرافات از جامعه به کار گیریم.



سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۴۷۱

فرح حسینی کشنگار جوان

“

بدون تردید افزایش و گسترش فرهنگ چاپلوسی و چاپلوس پروری در هر جامعه، سازمان یا محیطی سبب آلودگی فرهنگی و اخلاقی آن محیط شده و به مرور زمان این فرهنگ بیمار موجب رواج بدبینی در جامعه، کاهش ارتباط افراد سالم و کاردان، خارج شدن این افراد از چرخه مسئولیت و مدیریت، کم رنگ شدن شایسته سالاری، روی کار آمدن اشخاص بی‌بلاقت، کاهش شدید انگیزه اجزای مختلف و در نتیجه کاهش کارآمدی و بهره‌وری در آن سازمان یا جامعه خواهد شد

همچنین در سایر ملل و فرهنگ‌ها امری ناپسند و نکوهیده است. این نکوهش تا جایی است که توصیه کرده‌اند وقتی تعریف‌کننده‌ها (چاپلوسان) را دیدید، بر صورتشان خاک بپاشید. در مبانی دین مبین اسلام چاپلوسی و تملق آنقدر خطرناک ذکر شده که پیامبر اعظم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «اگر مر دم‌ی با چاقوی برنده و تیزی به سراغ شخصی بروند، برای او بهتر است از اینکه در پیش رویش مدح او را بگویند».

پرده سوم: مش غلام آبدار چی سالخورده اداره هر باری که جای را روی میز رئیس می‌گذارند، آنقدر از به اصطلاح وجاهت و کمالات رئیس تعریف می‌کنند که انگار مادری دارد قربان صدقه جوان تازه دامادش می‌رود. بارها کارمندان به مش غلام گفته‌اند تو که همه وظایفت را به خوبی انجام می‌دهی دیگر چرا اینقدر دور رئیس می‌گردد؟! و هر بار جواب پیرمر داین است که: من این موها را در آسیاب سفید نکر دهم، اگر قرار باشد روزی چیزی به داد من برسد همین تصدق و دورت بگردم‌هاست...

اخلاقی دچار شده‌اند. چاپلوسان برای دستیابی به اهداف خود به غلو، با کاری، روع گویی، توجه‌گری، نقد گریزی، بهانه‌تراشی و بسیاری دیگر از رذائل اخلاقی متوسل می‌شوند و با زیر پا گذاشتن اخلاق و ارزش‌های انسانی جامعه تنها به فکر رسیدن به منافع و مطامع خویش هستند. چاپلوسان بدتر از آنکه مرتکب گناه و معصیت می‌شوند، فرد دیگری را نیز به گناه ترغیب کرده و مانع می‌شوند تا او تعقیقت را بشناسد و به بازسازی افکار و رفتار خود بپردازد. چاپلوسی و تملق غرور می‌آورد و فرد مغرور به پند دیگران توجه نمی‌کند و اگر این رفتار او با قدرت نیز همراه شود موجب ایجاد سختی برای سایرین و بدبختی افراد جامعه می‌شود.

بر همین اساس یکی از مستی‌هایی که حضرت امیرالمؤمنین(ع) نسبت به آن هشدار داده‌اند «مستی تمجید و تملق است. ایشان می‌فرمایند: «شایسته است انسان غافل خوشتن را از مستی ثروت، مستی قدرت، مستی علم و دانش، مستی تمجید و تملق و مستی جوانی مصون نگه دارد زیرا هر یک از این مستی‌ها بادهای مسموم و پلیدی دارد که عقل را زایل می‌کند و آدمی را خفیف و بی شخصیت می‌نماید».

■ پیش به سوی مبارزه با چاپلوسی

برای مبارزه با این پدیده ناامیمون چاپلوسی باید برنامه‌هایی در دو مورد فردی که تحت تأثیر کنش کش تک‌تک افراد جامعه است و جمعی که بیشتر متأثر از ساختارها و نهادهای مدنی

یک جامعه است تدوین و اجرا گردد.

درست است که فرهنگ‌سازی و ایجاد ساختاری ضد چاپلوسی و تملق از وظایف اصلی نهادهای مدنی است اما بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند ساختارها نیز متأثر از کنشگران می‌باشند. آنها اعتقاد دارند از آنجا که ساختارها و نهادهای نیز متشکل از مجموعه‌ای از افراد جامعه هستند، بنابراین در صورتی که افراد یک جامعه اصلاح شوند به تبع آن ساختارها نیز تغییر کرده و در مسیر اصلاح قرار خواهند گرفت. از این رو باید به افراد یک جامعه اصلاح دهنده به تبع آن ساختارها جدا از وظایف دولت‌ها در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی که در جای خود بسیار مهم و تأثیر گذارند و غفلت از آن می‌تواند عواقب بسیار سونی برای جامعه به بار آورد، مهم‌ترین نقش و بخش این مبارزه در عهده آحاد افراد جامعه است.

فراموش نکنیم که چاپلوسی و تملق مانند اکثر رفتارهای اجتماعی امری اکتسابی است. پس در گام اول هم مراقب باشیم که تحت تأثیر دیگران به این بیماری مبتلا نشویم و هم مراقب باشیم که با انجام رفتارهای چاپلوسانه، اطرافیان و فرزندانمان را تحریک به کسب و انجام این خصیصه منفی اجتماعی نکنیم. در گام دوم باید در مقابل افراد چاپلوس و متملق، رفتاری صحیح و مسئولانه داشته باشیم. فرض کنید یکی از نمونه‌های عینی چاپلوسی و تملق در محل کار شما حضور دارد، با او چه باید کرد؟

خوب است بدانید یکی از بهترین و مناسب ترین روش‌ها برای بر طرف کردن رفتار های چاپلوسانه و تملق آمیز، اعتنا نکردن و عدم پاسخ مثبت به رفتار چاپلوسان است. با استفاده از این روش فرد متملق و چاپلوس متوجه می‌شود که این رفتار او نه تنها در اطرافیان و سوزوه‌های هدفش تأثیری ندارد بلکه باعث تحقیر خود او می‌شود، بنابراین در کنار مجبور به تجدیدنظر در رفتارهای خود و جایگزینی رفتار مناسب خواهد شد. البته توجه داشته باشید که در کنار اصلاح رفتار، او شمامت باید پاسخی مثبت به رفتارهای اصلاح دهنده و مناسب بدید.

به یاد داشته باشیم نکته مهم و حائز اهمیت در مبارزه با چاپلوسی، «احساس مسئولیت اجتماعی» است. پس اگر برای آینده خود، فرزندان و جامعه‌مان اهمیت قائلیم، باید با احساس مسئولیت تمام تلاش خود را جهت زودن بیماری‌ها و انحرافات از جامعه به کار گیریم.

سبک فرهنگ

نگاهی به پیشینه چاپلوسی در ایران

مدح «سلطان و بادنجان» و بساطی که هنوز پهن است

شاید هیچ کس به درستی نداند که چه کسی برای اولین بار تملق کرد و اولین کسی که مورد تملق قرار گرفت کیست؛ چرا که این پدیده ناخوشایند، قدمتی به اندازه تاریخ حیات بشر دارد. نگاهی به آثار مکتوب به جای مانده از تاریخ کهن ایران به ویژه در بخش ادبیات نیز نشان می‌دهد پدیده تملق و چاپلوسی به عنوان یک آسیب اجتماعی محدود به تاریخ معاصر ایران نیست، بلکه به ویژه تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی به دلایل مختلف از جمله حاکمیت حکومت‌های استبدادی، وجود نظام ارباب و رعیتی، شکاف‌های عمیق اجتماعی و وجود دو طبقه عمده دارا و ندار یا اشراف و غلامان و... این پدیده به عنوان یک آسیب جدی اجتماعی از شدت و گسترندگی بیشتری برخوردار بوده است.

■ حکومت‌های استبدادی، خاستگاه چاپلوسی

عبید زاکانی، شاعر و نویسنده نامدار قرن هشتم هجری در طنزهای خود تصویر چاپلوسی را به خوبی نشان داده و تأکید می‌کند که تملق و چاپلوسی دست کم در دربار پادشاهان و سراسی قدرتمندان به وفور وجود داشته است.

یکی از نمونه‌های بارز اشاره وی به وجود این پدیده در متن زیر کاملاً مشهود و عیان است. وی می‌نویسد: «سلطان محمود غزنوی را در حالت گرسنگی بادنجان بورانی پیش آوردند، خوشش آمد و گفت: بادنجان طلع‌می است خوش. ندیمی در مدح بادنجان فصلی پرداخت، چون سیر شد گفت: بادنجان سخت مضر چیزی است. ندیم باز در مضرت بادنجان مبالغتی تمام کرد. سلطان گفت‌ای مر دکت، نه این زمان مدحش می‌گفتی؟ گفت: من ندیم کردم، نه ندیم بادنجان. مرا چیزی می‌باید گفت که تو را خوش آید نه بادنجان را».

به این ترتیب می‌توان گفت که حکومت‌های استبدادی خاستگاه‌های اصلی و عمده چاپلوسی در تاریخ کشورمان بوده‌اند. طبیعی است وقتی جامعه‌ای به مدت طولانی دچار یک پدیده اجتماعی باشد، این پدیده با گذشت زمان نهادینه شده و در همه ارکان و اجزای جامعه رسوخ خواهد کرد و در طول زمان بیشتر مردم جامعه با آن خو می‌گیرند. بدیهی است در چنین شرایطی حتی اگر عوامل شکل دهنده یک پدیده از میان بروند،

برخی آسیب‌های اجتماعی مانند همین پدیده



مورد بحث به خوبی انجام دادند.

■ بازگشت چاپلوسی

با پایان یافتن دفاع مقدس، ساختارها و نهادهای مدنی کم کم شکل و قدرت گرفتند و به مرور زمان و طی یک سیر طبیعی بسیاری از وظایفی که تا پیش از این توسط آحاد جامعه انجام می‌شد را عهده‌دار شدند.

آنچه دوران پیش و پس از دفاع مقدس را از نظر پیدایش با افزایش برخی آفات و آسیب‌های اجتماعی از جمله بروز و رواج تملق و چاپلوسی متمایز می‌کند، موضوع نقش آفرینی فعال یا ضعف در ایفای نقش نهادهای مذکور است. سؤال اینجاست، چرا تا زمانی که مردم به‌صورت خودجوش و انقلابی وظیفه نقادی و نظارت اجتماعی را بر عهده داشتند اوضاع بهتر از زمانی که نهادهای مدنی این وظیفه را بر عهده گرفتند تحلیل می‌شود؟ پاسخ به این سؤال هر چند قدری تلخ و دردآور است اما حقیقتی است گریزناپذیر و آن اینکه نهادهای مربوطه نتوانسته‌اند از قابلیت‌های مدنی مردم استفاده کنند و متأسفانه این ظرفیت‌ها نهادهای پنه نشده و شکل سازمانی به خود نگرفته‌اند.

■ بساطی که همچنان پهن است

نکته قابل تأمل و توجه در رابطه با ساختارها و نهادهای مدنی آن است که با وجود انقلاب بزرگی که در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... صورت گرفت، اما متأسفانه ساختار یا ظرف مدیریتی کشور بر اساس آرمان‌ها و اهداف متعالی انقلاب اسلامی دچار تحول و دگرگونی نشد و به نوعی ظرف معیوب و بیمار گذشته تاریخی که علت بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله تملق و چاپلوسی بود، همچنان خود را به ما تحمیل کرده تا جایی که می‌توان گفت با وجود اینکه یکی از اهداف انقلاب اسلامی برجیدن روابط مبتنی بر تملق و چاپلوسی بود، متأسفانه این معضل همچنان دامنگیر جامعه ماست.